

## وقایع فرهنگ



روزی شیخ را گفتند: یا شیخ! فلان مریدت  
بر فلان راه افتاده است، مست خراب.  
فرمود: بحمدالله که بر <sup>بنیاد اندیشه</sup> راه افتاده است؛ از  
راه نیفتاده است.

اسرار التوحید



شماره ۱۴

۱۶۷

# میارید در ماتمه

## جزر باب

در سوگ استاد رحیم خوشنواز

بصیر احمد حسین زاده

اشاره: استاد رحیم خوشنواز از آخرین مشعلداران موسیقی کلاسیک افغانستان بود که روز یکشنبه ۱۹ ثور ۱۳۸۹ بر اثر بیماری در شهر هرات درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. این مطلب در همان ایام نوشته شد، ولی به علت تأخیر در انتشار فصلنامه، از نشر باز ماند. اینک در سومین سال درگذشت آن ربانبواز برجسته جهان، این نوشته را به دست نشر می‌سپاریم. در تری

استاد امیر جان در هرات سکنه کرده و از دنیا رفته است. در طول سالهای بعد، دیگر هیچ خبری از خانواده خوشنواها نداشتیم، تا اینکه برادران طالب در افغانستان روی کار آمدند و ساز و آواز را ممنوع کردند. آنگاه بود که رحیم خوشنواز هم به ایران مهاجرت کرد. حالا دیگر من بزرگ شده بودم و شناخت من از این خانواده نسبت به آن دوران نوجوانی به کلی تغییر کرده بود. در فصلنامه در تری مشغول فعالیت بودم و همیشه خدا به دنبال کسی می‌گشتم که اهل موسیقی باشد و من برای نشریه با او مصاحبه کنم.

یک روز شنیدم که فرزند کوچک استاد رحیم خوشنواز در منطقه نغندر مشهد در آب غرق شده است. آن زمان می‌خواستم او را از نزدیک ببینم، ولی گفتند که از مرگ فرزند نوجوانش خیلی متأثر است و حال و حوصله گفتگو ندارد. یکی دو سالی از این ماجرا گذشت که خبر کانسرت خوشنواز در اروپا منتشر شد. روزی سید نادر احمدی از من خواست که ترتیب یک گفتگو با استاد خوشنواز را فراهم کنم.

نشانی‌اش را یافتیم او در چهارراه مقدم نخریسی مشهد سکونت داشت. با خانم بتول مرادی (که هر کجا هست به سلامت باشد) به منزلش رفتیم. خانم خوشنواز در را بر روی ما باز کرد و ما را به اتاق پذیرایی دعوت کرد. تا آمدن استاد خوشنواز من و مرادی به در و دیوار اتاق نگاه می‌کردیم. دو رباب بود و عکس‌ها و پوسترهایی از کانسرت استاد خوشنواز در فرانس.

استاد وارد شد. او را بعد از حدود بیست سال می‌دیدم. خیلی تغییر کرده بود و دیگر آن سیمای جوانی را نداشت. من گفتم: «استاد مرا به جا نیاوردید؟» گفت: «نه». گفتم: «من از همسایه‌های قدیمی

اولین تصویری که از استاد رحیم خوشنواز در خاطره دارم، مربوط به سی سال پیش است. منزل استاد امیرجان پدر خوشنواها در همان کوچهای بود که ما در آن سکونت داشتیم: «هرات، بازار خوش، کوچه چوبخانه».

من کودکی هفت، هشت ساله بودم که کاکایم داماد شد و مراسم عروسی‌اش سه شبانه‌روز دوام داشت. درست به خاطر دارم که در آن شبها استاد امیرجان به همراه فرزندان در بلند محفل نشسته بود و می‌خواند:

رنگ حنا به دست تو ای نوجوان خوش است

حرف مبارکت به سر هر زبان خوش است...

پدر بزرگم که خدایش بیامرزد، در مقابل همان کوچهای که ما سکونت داشتیم، مغازه انتیک‌فروشی داشت و من که با او بسیار مانوس بودم، بیشتر اوقات را در مغازه‌اش می‌گذراندم. یکی از کسانی که همیشه به آن مغازه رفت و آمد داشت، امیرجان پدر خوشنواها بود که با پدر بزرگم بسیار دوست بود. کاکای من هم در گوشه‌ای از همان مغازه خیاطی می‌کرد و در شبها با او نشسته بود. از جمله با استاد رحیم خوشنواز و برادران دیگرش محمود و نعیم. خلاصه هر صبح و عصر بساط چای سبز بر قرار و وظیفه من طبق معمول شستن پیاله‌ها بود.

روزی نبود که از مصاحبت با خوشنواها - که آن زمان به نام «بچه‌های امیرجان» معروف بودند - بر خوردار نباشیم، تا اینکه انقلاب شد و آن سبب شکست و آن پیمان ریخت و هر کس پی کار خود رفت. پدر بزرگم بر اثر بیماری فوت کرد و مدتی بعد ما همه به ایران مهاجرت کردیم. بعد در ایران خبردار شدیم که



۱۴

۱۶۸

## زندگی

محمد رحیم خوشنواز در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در محله مومندهای هرات در خانواده‌ای به دنیا آمد که موسیقی میراث چندین نسل آن بود. آنگونه که خود خوشنواز گفته است: «نام من پایان بسم الله است، «رحیم»، فرزند امیرجان خوشنواز، فرزند آقا حسن، فرزند غلام حسین، فرزند غلام علی. موسیقی در خانواده ما موروثی بود و پدربزرگهای ما چهارتار ایرانی و طبله می‌زدند، تا زمانی که هارمونیه به افغانستان آمد و این ساز در خانواده ما نواخته شد. من ابتدا تانپوره می‌نواختم که انواع چهار سیم و شش سیم دارد.»

محمد رحیم خوشنواز هشت ساله بود که با تنبور شش‌سیم هندی شروع به نواختن ساز کرد. در آن زمان کاکای بزرگ او رباب می‌نواخت و رحیم هم بسیار دوست داشت که رباب بنوازد. او هنوز ده ساله نشده بود که پدرش رباب را به دستش داد و از برادر خواست که به رحیم نوجوان آموزش بدهد. خوشنواز بعد از مدتی آموزش نزد کاکا و پدر خود، مدتی هم شاگرد رباب‌نواز بزرگ افغانستان استاد محمد عمر بود و آنگونه که خود گفته است شاگردی نزد استاد محمد عمر برایش حکم «فوت کوزه‌گری» را داشته است.

با آنکه ساز تخصصی خوشنواز همیشه رباب بوده است، او در نواختن دلریا، تانپوره، دوتار و چهارتار هم دستی داشت. او در کنار هنرمندان بزرگ افغانستان، استاد محمد حسین سرآهنگ، استاد رحیم بخش و استاد امیر محمد نواز زندگی کرده است.

## تغییر در رباب

از کارهای مهم خوشنواز، می‌توان از تغییراتی نام برد که او بر روی رباب انجام داده است. ساز رباب ابتدا چهار پرده داشت. پدر خوشنواز یک نیم‌پرده به آن اضافه کرد و بعد خود رحیم خوشنواز به سلیقه خود یک

شما در هرات بودم. کوجه چویخانه» باز هم مرا نشناخت. خودم را بیشتر معرفی کردم: «من نواسه حسین جان، بچه فضل احمد، برادرزاده نثار احمد هستم.» تا این را گفتم، چهره‌اش تغییر کرد. یکباره دیدم که چشمانش پر از اشک شد و گفت: «خدا بیامرزد حسین جان را. مرد نازنینی بود. تو نواسه او هستی؟ ماشا الله مردی شدی. چه روزها و سالهای خوشی داشتیم. عمویت نثار کجاست؟ بابایت فضل احمد چه کار می‌کنه؟» بعد بلافاصله رفت و خانمش را خبر کرد که «بیا ببین که کی به این جا آمده، مادر نسیم.» خانم استاد هم آمد و احوال پرس کرد. خوشنواز گفت «ما که نسیم را دهاد کردیم. این نقل‌ها هم مال عروسی اوست.»

خلاصه آن روز بعد از چند سال دوباره او را می‌دیدم. با خودش و نسیم مصاحبه کردیم و بعد از آن دیگر مرتب با او ارتباط داشتیم.

یکی دو سال از این ماجرا گذشت و روزی او را در مراسم درگذشت استاد پیرزاد دیدم. سخنران محفل از شخصیت‌های معروف و هنرمندان گذشته هرات نام برد. در پایان محفل او را بسیار ناراحت دیدم. گفت: «از همه اسم بردند الا از پدر من. مگر پدر من هنرمند نبود؟ مگر او جزو مشاهیر این کشور نبود؟ او عمرش را در کنار شادی این مردم بود. مگر ما چه گناهی کرده‌ایم که این‌طور ما را تحقیر می‌کنند؟ همین ایران را نگاه کنید که چگونه هنرمندان موسیقی خود را تحویل می‌گیرد. ولی این مردم، ما را شب به عروسی دعوت می‌کنند ولی فردایش روی خود را از ما می‌گردانند که چشمانشان به مطرب‌ها نیفتد.»

رحیم خوشنواز در سالهای حضور در ایران با کمک دیگر برادرانش یک گروه هنری تشکیل داد و در بسیاری از فستیوال‌ها در ایران و خارج از ایران شرکت کرد. با سقوط حکومت طالبان ایران را ترک کرد و به زادگاهش برگشت.



که صدای نفس کشیدن‌ها را به خوبی می‌شنیدی صدای رباب برای آن‌ها بسیار لذت‌بخش بود. در طول مدتی که آنجا بودم، تعداد زیادی از خانم‌های اروپایی به دیدنم آمدند و از من خواست می‌کردند که کلاسیک بنوازم و در وقت نواختن رباب حس عجیبی به آن‌ها دست می‌داد که آدم حیران می‌ماند. تقاضا داشتند که بیشتر بمانم و زمانی که می‌خواستم آنجا را ترک کنم بسیار افسوس می‌خوردند.»

### شاگردان

رحیم خوشنواز در طول دوران عمر هنری خود شاگردان زیادی در افغانستان آموزش داد و علاوه بر این، شاگردانی نیز از کشورهای فرانسه، امریکا، انگلستان و ایران داشت. همچون جان دورینگ از فرانسه، دکتر جان بیلی استاد دانشگاه لندن و همسرش و برونیکا از بریتانیا، سید حسن گرامیان و قباد رضایی از ایران بسیاری از شاگردان او سالی چند مرتبه به افغانستان می‌آمدند و از او سرمشق می‌گرفتند.

محمد نسیم خوشنواز یگانه فرزند خوشنواز است که سال‌ها شاگرد پدر بوده است و اینک رباب را به نکویی می‌نوازد.

### منابع:

موسیقی و تئاتر در هرات، نصرالدین سلجوقی، ۱۳۸۳. صدایی از سکوت، موسیقی افغانستان در سالی که گذشت، بصیر احمد حسین‌زاده، فصلنامه در در، شماره ۶، ۸، ۱۳۷۷.

صدای رباب در اروپا، گزارشی از سفرهای استاد رحیم خوشنواز به اروپا، بصیر احمد حسین‌زاده، فصلنامه سخط سوم، شماره ۲، ۱۳۸۱.

دبیدار یا رحیم خوشنواز  
رباب نواز هراتی،  
سایت هنر و  
موسیقی.

پرده دیگر به آن افزود. حالا این سازش پرده دارد آن‌گونه که خود او می‌گوید: «رباب ۲۲ سیم دارد. سه سیم اصلی آن از جنس پلاستیک است که در قدیم از روده ساخته شده می‌شده است. مابقی سیم‌ها به «پرند» و «بجگی» و «شاه‌تار» تقسیم می‌شوند. در قدیم رباب دو شاه‌تار داشت که من دو عدد به آن اضافه کردم. سیم‌های «بجگی» هم از جنس مس یا برنج است. سیم‌های بالایی که فشار زیادی را باید تحمل کنند، مسی هستند. من زیر یکی از سیم‌های «شاه‌تار» میخی نصب کردم که باعث به وجود آمدن زنگ خاصی در این سیم می‌شود.»

هر بار که به منزل خوشنواز می‌رفتم دو عدد رباب در آنجا گذاشته بود که آن‌ها را بسیار دوست داشت. می‌گفت که «این‌ها از پدرم برای من ارث رسیده است.»

### آثار

از رحیم خوشنواز آهنگ‌های زیادی بر جا مانده است که بیشترشان در رادیو و تلویزیون افغانستان ضبط شده است. چند آلبوم هم به همت جان بیلی پژوهشگر انگلیسی موسیقی در دهه‌های گذشته در اروپا منتشر شده است. آلبوم «رباب هرات» که آهنگ‌های تک‌نوازی رباب است و آلبوم «افغانستان» که هم‌نوازی رباب، طبله و دوتار است، از معروف‌ترین این آثار است. همچنین آثاری از استاد خوشنواز به کوشش رادیو فرانسه منتشر شده است که برخی از آن‌ها در خود رادیو فرانسه اجرا شده است.

### کانسرت‌ها

خوشنواز در طول عمر هنری خود کانسرت‌های مختلفی را در کشورهای خارجی اجرا کرد، از جمله آلمان، فرانسه، انگلستان، هلند، اسپانیا، یونان و اتریش. او در پاسخ این پرسش که استقبال اروپایی‌ها از کانسرت‌هایش چگونه بوده است می‌گفت: «خیلی خوب بود. در هر جا که برنامه داشتیم، می‌آمدند و سرپا گوش می‌نشستند. چنان سکوتی تالار را فرا می‌گرفت



# یاد همایون هنر

کاظم حمیدی

حجره همایونی «همایون» بود که سکوت سنگین را می‌شکست و نوای آکار دیون اش «یک کهکشان شقایق» را به تاریکی شب می‌داد تا اندوهان از چهره شهر کنار زده و «گل لبخند» شکوفه کند.

آسمان خاکستری کابل، پس از احمد ظاهر کمتر شاهد درخشش ستاره‌ای بود که آکار دیون را به چیره دستی و فراست همایون بنوازد. این جان عاشق که در افق روشن موسیقی طلوع کرده بود، می‌رفت که افق‌های تازه‌ای را «در این گنبد نوار» کشف کند. می‌رفت که الفبای «آکار دیون» را به شیفتگان موسیقی هدیه کند. می‌رفت که تار شود، ترانه شود، سه تار شود و ستاره شود. می‌رفت که زندگی کند و تجربه زیسته خویش را در نبض رودخانه‌ها و عطر گلخانه‌ها جاری سازد. می‌رفت که... وقت رفتن نبود.

ولی انگار در سرنوشت او سفری بی‌بازگشت نوشته شده بود؛ سفری که در همان آغاز، «سحفونی» صدایش را با سرطان خون گره زد و او را راهی هندوستان کرد.

یک سیال و اندی «جور هندوستان» کشید. هر روز کالای زندگی بر او تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شد. زندگی در قامت او قد نمی‌داد و «هنر» را بیش از آن، یارای زیستن نبود. مرگ تنها راهی بود که مسیر «هنر» را به ابدیت منتهی می‌کرد. به بیان رضا محمدی که پس از خاموشی همایون گفته بود: «بمیر، قد تو از زندگی بلندتر است.»

و این گونه بود که این مسافر خوب ما رفت. به بیان عاصف حسینی: «مسافر خوب وقتی می‌رود دلت دیگر به جایی بند نیست؛ نه عطرش تو را کافی است، نه موسیقی و ترانه اش... خودش را می‌خواهی...»

و این هم مرثیه‌ای از عاصف در اندوه «هنر»

«جاودانگی» صفتی است که رابطه‌ای ژرف با «عشق» دارد. هر جا عشق باشد درخت جاودانگی قد می‌کشد. هر جا عشق باشد نوام است، راه است و راهرو. بودن در قلمرو عشق معنا می‌یابد و مرگ در منطق عشق نامیرایی است. آنجا که «صدای سخن عشق» پرده‌های گوش را به نوازش درآورد، سخن از «نیستی» و «فراموشی» چندان جایگاهی نخواهد داشت. مگر نه آن است که «پیامبر عشق» (مولای بلخ و روم) رسالتش را تبیین «دولت عشق» خواند و «پویایی» و «پایندگی» را در گرو گرویدن به «دولت عشق» دانست؟

مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم  
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم  
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا  
زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم  
با آنگاه که «رسول غزل» حضرت حافظ از آوای دلنشین «سخن عشق» می‌گوید، بر نامیرایی و ازلی بودن «عشق» مهر تأیید زده و به صدای سخن عشق، صفت عالی خوش‌تر و گوش‌نواز تر را می‌دهد.

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر  
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

در این نوشتار سخن از «حجره سبز عشق» است؛ حجره‌ای که «صدای سخن عشق» را شبانه‌گام زمزمه کرد، آنگاه که شهر در نفس تاریکی فرو می‌رفت؛ آنگاه که کمتر حجره‌ای جرأت فریاد شدن داشت. حجره سبزی که به لطف «زمزمه‌های شب‌هنگام» ماندگار شد.

سخن از همایون هنر است، کسی که انیس «پرده‌های راز» بود. دستی بلند در «هنر» داشت و «همایون هنر» ترکیبی زبینه و در خورشانی است که به او داده شده است.

شده است. انتشارات امیری این یادنامه را به پاس فرهیختگی و شیدایی «هنر» در هزار نسخه نشر کرده است. محسن حسینی در طراحی جلد و فیروزخان آزادزوی در حروفنگاری این یادنامه سهم گرفته‌اند.

محتوای یادنامه:

سالشمار زندگی همایون هنر، خاطره پدر، آهنگهایی که همایون هنر با کمپوز آوازش ثبت کرده است، تنظیم موسیقی برای شاعران با دکلمه خودشان، دوران بیماری، مرگ و خاموشی همایون و انعکاس رسانه‌ای آن، پیام‌های تسلیت و همدردی، نظر و خاطرات دوستان و فرهنگیان، فشرده انعکاس‌ها و همدردی عمومی (فیس بوک)، نظر و دیدگاه‌های استادان موسیقی، سپاسگزاری‌ها (از سوی خانواده فخری)، عکس‌ها.

ششبه، ۱۵ اسد ۱۳۹۲

نه برایت جامه سیاه می‌پوشم  
نه برایت عزا می‌گیرم  
داغ بزرگی هستی  
که به هیچ شکل و رنگی بیان نمی‌شوی ...  
(یاد همایون هنر، ص ۶۴)  
اما چرا این نبشته؟

هفته گذشته، جناب رضوانی کتابی به من داد. در پشت جلد، «یاد همایون هنر» نوشته شده بود. فکر کردم شاید ویژه‌نامه‌ای است در سوگ «همایون» که در سی و پنجمین بهار زندگی‌اش در ماه حمل سال جاری، با مرگی زود هنگام، شیفتگانش را در اندوه «یار» و حسرت «دیدار» گذاشت. گمان من درست بود. کتاب یادنامه‌ای است درباره کارنامه هنری همایون هنر، بیماری، مرگ و بازتاب رفتن او در میان دوستان و هوادارانش.

«یاد همایون هنر» به کوشش جمعی از دوستان تهیه و تدوین



# کجا می روی آرزویم کجا؟

نگاهی به زندگی ظاهر هویدا

© بصیر احمد حسین زاده

پدر زندگی او را سخت تر کرد. مادرش مجبور شد که با فرزندانش یتیم خود، راهی دیار کابل شود و بخت خویش و فرزندانش را در کابل بیازماید. اما غول پایتخت او و خانواده‌اش را بیشتر در خود فرو برد.

ظاهر هویدا نه ساله بود که به همراه برادرش در مکتب استقلال ثبت نام کرد. اما مشکلات اقتصادی اجازه نداد که آن دو برادر درس بخوانند و مجبور شدند که درس را رها کنند و به کار مشغول شوند، هرچند هنوز کار کردن برای آن‌ها زود بود.

«دشواری‌های اقتصادی و فشار زیاد کارهای روزانه و ادارم ساخت مکتب را ناتمام رها کنم. خوب به یاد دارم که در آغاز، کسی برادرم و مرا به کار نمی‌پذیرفت، زیرا هم خرد بودیم و هم ناآشنا با گرم و سرد بازار.»

ظاهر هویدا در طول دوران کودکی و نوجوانی شغل‌های گوناگونی را از کفاشی و خیاطی تا صافکاری ماشین و آهنگری و حتی زمانی بدیت‌فروشی در یکی از سینماهای کابل، تجربه کرد و تمام ایام جوانی را برای به دست آوردن لقمه نانی جان کند.

«یک روز بچه همسایه به من مژده داد که موی سر کوچه اول دهم‌زنگ شاگرد به کار دارد. رقم و نخستین بار شاگرد بوت‌دوز شدم. راست بگویم همه دوران کودکی و نوجوانی‌ام را کوچه به کوچه و دکان به دکان یا شاگرد بوده‌ام یا همانند آن سه سیال شاگرد خیاط، یک و نیم سال شاگرد حکیم‌جی، دو سال تکت‌فروش و چهار سال دربان سینما و بقیه هم گاهی شاگرد مستری و گاهی شاگرد آهنگری.»

ظاهر هویدا اولین جرعه عشق به موسیقی را از رادیویی که هیچ وقت در خانه نداشت احساس کرد. او برای شنیدن موسیقی شب‌ها در پشت بام خانه می‌خوابید تا صدای موسیقی را بشنود: «از روزهایی که رادیو نداشتیم و به خاطر شنیدن آهنگ‌ها، شبانه روی بام می‌خوابیدم و آن هم به خاطر فاصله زیاد درست شنیده نمی‌شد و من که ناراحت بودم، ناراحت‌تر می‌شدم؛ یا روزهایی که به خاطر شنیدن یک پارچه موسیقی از طریق لودسپیکر عمودی

حدود یک ماهی می‌شد که حالم خوش نبود و از دنیا، اخبار و تحولات روز به‌خبر مانده بودم. به قول امروزی‌ها، «به‌روز» نبودم. بعد از مدت‌ها به سراغ اینترنت رفتم و در صفحه فیس‌بوک چشمم به عکس ظاهر هویدا افتاد. ابتدا متوجه نشدم، ولی کمی که دقت کردم، خبر درست بود. ظاهر هویدا چند روزی بود که از دنیایی که خیلی در آن رنج کشیده بود رهایی یافته بود. این خبر اندوه مرا بیشتر کرد.

ظاهر هویدا هنرمند نسل طلایی موسیقی افغانستان بود و کمتر کسی است که نام و صدای خاطره‌انگیزش را نشنیده باشد، هنرمندی که با رنج و محرومیت بزرگ شد و صفات نیکی از خود به جا گذاشت که فراموش نشدنی است.

به قول استاد اکرم عثمان: ظاهر هویدا از صفات جمیل و جلیل فراوانی برخوردار بود. او انسانی صریح‌اللهجه، نکته‌دان، باریک‌اندیش، دقیق‌النظر، راستگو و بی‌ترس بود و این صفات در رفتار و کردارش ریشه گرفته و از او شخصیتی استثنایی و ماندگار ساخته بود. در زمانه کژرفتار ما که از در و دیوار، بدی و شقاوت می‌بارد و خوب بودن کاری بی‌اندازه دشوار است و هر لحظه خطر لغزیدن، آدم‌های ظاهر و طیب را تهدید می‌کند، ظاهر هویدا تمام این خطرهای را پشت سر گذاشت و در قفایش جز سبیدی، نیک‌خواهی و مردم‌داری چیزی نیست. زهی سعادت مردی که چنین بسر برد.

ظاهر هویدا در دایزنگی هزارمجات به دنیا آمد. پدرش شاعر، آوازخوان و اهل فرهنگ بود و آن‌گونه که خود هویدا گفته است، روزی در میان قرض‌های ادا نشده‌اش جان سپرد. مادرش نیز زن بیچاره و تیره‌بختی بود که در دامان دایزنگی هزارمجات در وضع ناگوار و غیرقابل تحمل اقتصادی زندگی می‌کرد.

فشار اقتصادی بر خانواده هویدا زیاد شد و آن‌ها ناچار شدند که از دایزنگی هزارمجات به مزارشریف کوچ کنند. ظاهر هویدا هفت ساله بود که در مدرسه سلطان غیاث‌الدین غوری به تحصیل آغاز کرد که ناگهان در همین ایام پدرش را از دست داد. مرگ





جاده می‌بوند، مانند درختها ایستاده می‌شدم، اما به خاطر نداشتن جاکت و لباس زمستانی تحمل بیشتر از نیم ساعت سردی را نمی‌توانستم و غمگینانه به خانه در همزنگ بر می‌گشتم»  
 ظاهر هویدا موسیقی را با نواختن سازهای گوناگون تجربه کرد و سپس به آوازخوانی آغاز کرد او اولین کسی بود که با همکاری عزیز آشنا در دههٔ چهل گروه آمانوران را ایجاد کرد که باعث تحول مهمی در موسیقی افغانستان شد، اگرچه وی نتوانست با این گروه چندان دوام بیاورد و مدتی به کارهای نمایشی و نویسندگی و مدت‌ها هم به کارهای طنز در رادیو و تئاتر روی آورد.  
 او صدای خاصی داشت که در دلها می‌نشست. به گفتهٔ استاد اکرم عثمان، صدای او در گوش مردم با حسن قبول مواجه شده بود. زیرا صدای رسا، پرتین و کم‌نظیری داشت و با آمد و شد روزگار از «سر» و «لی» سوز و ساز و شور و حال نمی‌افتاد.

کنونی هنر، که سره و ناسره را جدا کردن تا سرحد ناممکن دشوار شده، باید هنرمند بود، نه کاسب»

هر چند که او دوست‌تر می‌داشت تا تحت هر شرایطی در وطنش زندگی کند و در همان‌جا نیز بمیرد و خودش به صراحت گفته بود که: «زندگی کردن با حداقل شرایط لازم در کشور خودم را، به برخوردار بودن از حداکثر، در کشور بیگانه ترجیح داده‌ام و ترجیح می‌دهم» ولی ناسازگاری یار و دیار آنچنان بر او فشار آورد که مجبور شد در زمستان ۱۳۴۷ از وطن خویش، آهنگ شهری دیگر کند.

او دو سال در هندوستان آواره بود و سپس راهی آلمان شد و در هامبورگ اقامت گزید. در سال‌های اقامت در آلمان آنچنان که باید نخواند و به جز چند آهنگ چیز زیادی از او شنیده نشد. به قول یما ناشر یکمکش: آنهایی که باید نخوانند دیر است که می‌خوانند و همچنان می‌خوانند و ما دیر است که آنان را می‌شنویم و همچنان می‌شنویم و هیچ نمی‌گوییم.

به گفته فرهاد دریا، هویدا گذشته از سال‌های نسبتاً آسودهٔ اخیر که دیگر از همه چیز خسته شده بود، اغلب کمتر از پریشانی به قول معروف: جان جور سیری چند است. با وجود آنکه هرگز فقر خود را نفروخت، سختی زندگی و آسختن کوتاه مثل سرطان هر روز از دریای هنرش می‌کاست و به بحر خیالاتش می‌افزود، تا بدان‌جا که قادر نبود حتی کوتاه‌ترین خواب‌های خود را هم تحقق ببخشد.

او که مدتها بود از بیماری سرطان رنج می‌برد، سرانجام برای همیشه از درد و رنج دنیا فارغ شد و در ۱۵ حوت ۱۳۹۰، در حالی که زمستان آخرین روزهای خود را سپری می‌کرد، روحش بهاری شد.

سال ۱۳۵۱ خورشیدی بود که هویدا برای تحصیل موسیقی به ایران آمد و با اجرای یکی از ترانه‌های خود در این کشور معروف شد. او مدتی نیز برای تحصیل موسیقی به مسکو رفت.

با روی کار آمدن حزب دموکراتیک خلق در افغانستان، باز روزگار از در مخالف با هویدا درآمد و وی را گوشه‌گیر و منزوی ساخت و اجازهٔ کار از او سلب شد. در همین ایام بود که ترانهٔ از «این‌جا تا شمالی کار دارم» را خواند که مورد غضب قرار گرفت و درهای رادیو و تلویزیون حکومت بر رویش بسته شد.

دست روزگار بار دیگر او را به شغل‌های گوناگون که بر خلاف مینش بود سوق داد. او این بار یک دکان خواربارفروشی با نام «شور و شیرین» در کابل دایر کرد. ولی در این شغل نیز موفق نبود و مشتریان رنگارنگ، همه چیز را به نسیه از او ربودند و او در اندک زمانی ورشکست شد و همه چیز را از دست داد.

هویدا ناچار به شغل تاکسی‌رانی روی آورد و در خم و پیچ خیابان‌های کابل سرگردان و آواره بود. بالاخره مدتی قبل از اینکه افغانستان را ترک کند، تاکسی‌رانی را نیز رها کرد و افسرده و خاموش در تنهایی خود در کابل می‌زیست.

شاید علت این همه سرگردانی هویدا در این بود که عقل معاش او به درستی کار نمی‌کرد و حیل‌گر خوبی در کسب و کار نبود، چون هر کاری از این دست، مقداری به مکر و حیل نیاز دارد. او در کار موسیقی نیز چنین بود. باید خودش از کار خودش می‌آمد و هیچ وقت برای خوش‌آمد دیگران آهنگی را نخواند. هیچ وقت هم تحت تأثیر تنگناهای اقتصادی نمی‌رفت و خودش به صراحت این را می‌گفت: «زیاد زیر تأثیر نداشته‌ها نمی‌روم. مادرم به هر کس می‌گوید که ظاهر آفتابه خرج لحیم است؛ تا قرض از گلویش بالا نرود، کنسرت نمی‌دهد. اما من گمان می‌کنم که در آشفته‌بازار







### جایگاه زن در نظام سیدلسی اسلام آیت‌الله العظمی محمد اسحاق فیاض

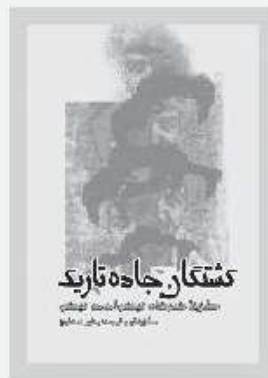
ترجمه: سرور دانش  
طراح جلد: یاسم الرسام  
چاپ اول، ۱۳۹۲، موسسه انتشارات عرفان  
۳۰۰۰ نسخه، ۳۸۰۰ تومان

در این کتاب حضرت آیت‌الله العظمی فیاض میباحثی نو در مورد حقوق زنان طرح کرده است که بر خلاف دیدگاه‌های رایج فقهی سنتی است. بر اساس مباحث این کتاب، سمت‌های عالی سیاسی و دینی توسط زن، هیچ نوع مانع صریح و واضح شرعی و فقهی ندارد و دلایلی که از کتاب و سنت مبنی بر تفاوت بین زن و مرد مطرح شده است از نگاه سند یا دلالت و شرایط فقهی نارساست.

### جغرافیای ولایت غزنی

تألیف: محمدعظیم عظیمی  
چاپ اول، ۱۳۹۱، انتشارات بین‌المللی الهدی  
ناشران همکار: انتشارات سراج و انتشارات صبح امید  
صفحه آرای و طرح جلد: علی‌خان مرادی  
۲۰۰۰ نسخه، ۳۰۰ افغانی

این اثر به مناسبت انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است و به معرفی آثار بلمستانی و تاریخی شهر غزنی و نیز محدوده جغرافیایی این شهر پرداخته است.



### کشتگان جاده تاریخ

گزیده شعرهای فیض‌احمد فیض  
گزینش و ترجمه: بشیر سخاورد  
ویرایش و صفحه‌آرایی: محمد کاظم کاظمی  
طرح جلد: وحید عباسی  
چاپ اول: ۱۳۸۷، تهران: عرفان  
۱۲۶ صفحه، ۲۵۰۰ تومان

فیض‌احمد فیض (۱۲۸۹ - ۱۳۶۳ ش) از شاعران انقلابی پاکستان بود که به سبب اندیشه‌های سیاسی، سال‌ها از عمرش را در تبعید به سر برد، او به زبان فارسی تسلط کامل داشت و علاقه‌مند کشور و مردم افغانستان بود. این کتاب، نخستین گزیده شعرهای فیض است که به فارسی ترجمه و منتشر می‌شود و ۴۶ اثر او را در بر دارد. همچنین «فیض‌احمد فیض و پرسشهای نرسیده من»، «سال‌شمار زندگی فیض‌احمد فیض»، «فیض، افغانستان و شعر فارسی» و «از فیض بر فیض» از جمله مطالبی است که در آغاز این مجموعه می‌خوانیم.



### لهجه بلخ و دریافت بهتر سخن

مولانا

محمد آصف فیکرت  
ویرایش: غلامرضا ابراهیمی  
صفحه‌آرایی: علی جعفری  
طرح جلد: یاسم الرسام  
چاپ اول، ۱۳۹۲، موسسه انتشارات عرفان  
۱۰۰۰ نسخه، ۱۴۰۰ تومان

نویسنده در این کتاب با کاوشی مفصل در دیوان شمس و مثنوی مولانا جلال‌الدین به وجوه قرابت زبانی شعر مولانا با لهجه فارسی بلخ پرداخته و بسیاری از مشکلات زبانی ما در مورد شعر مولانا را حل کرده است. این کتاب هم از نظر رفع ابهام‌های شعر مولانا سودمند است و هم از نظر نشان دادن اصالت بسیاری از واژگان رایج در افغانستان، به ویژه حوزه زبانی بلخ و بخارا.



۱۴  
۱۷۵



### طرزی و سراج الاخبار

شیر سخلورز

ویرایش: محمد کاظم کاظمی

طرح جلد: وحید عباسی

چاپ اول، ۱۳۸۶، مؤسسه انتشارات عرفان

۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۷ صفحه، ۲۵۰۰ تومان

آشنایی با افکار و عملکردهای کسی که سهم عمده‌ای در تحول و تغییر افغانستان داراست، اهمیت بسزایی دارد، به خصوص اگر آن شخصی، آدم شناخته شده‌ای چون محمود طرزی پدر روزنامه‌نگاری افغانستان باشد. آقای سخاورد با سرمشق قرار دادن شیوه طرزی در نگارش این کتاب، عاری از تجمل زبانی و حاشیه‌روی، کوشیده است حاصل چند سال بررسی و پژوهش خود را در مورد طرزی و تشریح سراج الاخبار در اختیار علاقه‌مندان وی بگذارد.

### جهانی شدن و تروریسم

(مهاجرت، روایا و کابوس‌ها)

نوشته: جمال راجی تشار

ترجمه: سید طاهر عرفاتی

طراح جلد: یاسم الرسام

چاپ اول، ۱۳۹۲

۳۰۰۰ نسخه، ۹۰۰۰ تومان

موضوع اصلی این کتاب، ارتباط میان جهانی شدن و تروریسم است. نویسنده به علل بنیادین تروریسم نظر انداخته است و چنین استدلال کرده است که انگیزه اصلی تروریست برای خشونت، مبارزه برای قدرت و عدالت است.



### فارسی ناشنیده

فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات فارسی و

فارسی شده کاربردی در افغانستان

حسن انوشه - غلامرضا خدایدوله

چاپ اول، ۱۳۹۱، مؤسسه فرهنگی اکو

۱۰۱۰ صفحه، زفعی

«فارسی ناشنیده» فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات فارسی و فارسی شده کاربردی افغانستان است. این اثر جامع‌ترین فرهنگی است که تا کنون برای واژگان فارسی افغانستان در قریب به هزار صفحه و حدود ده‌هزار واژه گرد آمده است.



### راه آینده

محمد اسماعیل اکبر

طراحی و صفحه‌آرایی: عبدالرحیم یزدان پناه

چاپ اول، ۱۳۸۷، انتشارات سعید

۱۰۰۰ نسخه، ۲۳۰ صفحه، ۹۰ افغانی

نوشته‌هایی پراکنده با علاقه‌مندی‌های

سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و

ادبی در این کتاب گرد آمده‌اند. آقای اکبر

که از اهالی فکر و نظر در مسائل مختلف

افغانستان و جهان است، این نوشته‌ها را

عمدتاً بر محور شناخت مجدد از جامعه

انسانی و جریانات فکری - سیاسی رایج

زمان متمرکز کرده است.

### انگبین نیشخند و شرنگ نوشخند

جستاری در باب طنز برنای در بهنه ادبیات

زبان فارسی دری در افغانستان

نویسنده: منیره باختری

طرح روی جلد: سید محسن حسینی

ناشران: بنیاد انتشارات پرتیان و انتشارات

سعید

چاپ اول، بنیاد انتشارات پرتیان و انتشارات

سعید

۱۰۰۰ نسخه، ۳۲۸ صفحه، ۲۰۰ افغانی

زنده‌یاد کیومرث صابری می‌گفت: طنز

یعنی گریه کردن قاه قاه، طنز یعنی خنده

کردن آه آه، اهمیت طنز، جایگاه و تأثیر

آن بر هیچ کس پوشیده نیست. بانو منیره

باختری با درک این مسئله اقدام به نگارش

«انگبین نیشخند و شرنگ نوشخند» کرد،

کتابی با دو بخش «چیستی و چونی

طنز» و «طنزپردازی در ادبیات معاصر

افغانستان». خانم باختری با بهره‌گیری

از روش کتابخانه‌ای و میدانی تلاش کرده

است که پژوهشی نو درباره طنزپردازی در

افغانستان ارائه دهد.

### اکوتوریزم در افغانستان

محمد عظیم عظیمی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علی خان مرادی

چاپ اول، ۱۳۹۱، انتشارات سراج و انتشارات

صبح امید

۲۰۰۰ نسخه، ۲۵۰ افغانی

افغانستان یکی از مراکز عمده و کهن

تمدن باستان به شمار می‌رود و دارای

طبیعتی جذاب و اقلیمی متنوع در زمینه

گردشگری است. این کتاب در همین

زمینه منتشر شده و صنعت توریسم در

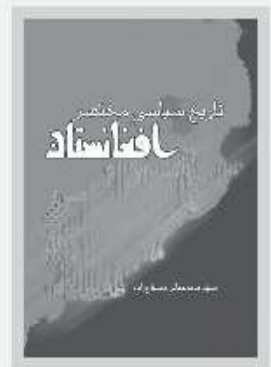
افغانستان را از زوایای گوناگون معرفی

کرده است.



۱۴

۱۷۶



### تاریخ سیاسی مختصر

#### افغانستان

سید محمدباقر مصباحزاده

صفحه آرای و طرح جلد: وحید عباسی

چاپ اول، ۱۳۸۸، نشر مرتدیز

۱۰۰۰ نسخه، ۲۸۴ صفحه، ۶۰۰۰ تومان

چهار بخش با عناوین «دوره باستانی»، «دوره اسلامی»، «دوره معاصر» و «از کودتا تا تجاوز». چهارچوب اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. هر بخش دارای فصول متعددی است و در پایان نقشه‌هایی از افغانستان به همراه منابع آمده است. جناب مصباحزاده که دارای سوابق فرهنگی درخشان است و مقاله‌ها و کتب فراوانی را با موضوع افغانستان در کارنامه خود دارد، می‌کوشد نگاهی موجز داشته باشد به آنچه بر افغانستان گذشته است از قبل از میلاد، تا آغاز لشکرکشی و تجاوز روس‌ها.

### از این چشم‌انداز

مجموعه مقالات محمد محقق

چاپ اول، ۱۳۸۸

انتشارات بنیاد شهید مسعود

۲۰۰۰ نسخه، ۱۸۲ صفحه

این مجموعه مقالات که برخی به شیوه تحلیلی و برخی به روش تحقیقی و در زمینه‌های مختلف نگاشته شده‌اند، همه دارای یک ویژگی مشترک‌اند و آن اینکه موضوعات مورد بحث، همه از چشم‌انداز روشنفکری دینی بررسی شده است. این به عقیده نویسنده «به معنای پایه‌گذاری مذهبی نو و پهن کردن دم و دستگهی جدید نیست، بلکه تلاشی است برای شکستن رکودی که بر اندیشه‌ها سایه افکنده است تا تفکر از رنجوری کنونی به درآید.» از آقای محقق که در رشته الهیات از دانشگاه فردوسی مشهد فوق‌لیسانس گرفته است، هفت کتاب دیگر نیز چاپ شده است.



### وقایع نگاری بن لادن یا تاریخ

#### عالم‌آرای طالبان

محمدعلی علومی

صفحه آرای: زهرا رمضانعلی

طرح جلد: فاطمه آزموده‌فر

چاپ اول، ۱۳۸۷، انتشارات هزاره فتنوس

۲۲۰۰ نسخه، ۲۶۴ صفحه، ۴۳۰۰ تومان

آقای علومی در آثارش به صورت کلاً جدی به طنز توجه دارد. در بیشتر آثاری که از ایشان منتشر شده است، می‌توان رگه‌هایی از طنز این دغدغه را جست. در این اثر نیز که در ۲۲ فصل نگاشته شده است، آنچه اهمیت دارد جنبه طنز آن است که از دل‌بستگی‌های نویسنده محسوب می‌شود، با تکیه بر شناختی که از دستاوردهای حضور طالبان به سرکردگی بن لادن وجود دارد. قبلاً ۱۲ کتاب دیگر نیز از این قلم به نشر رسیده است.

### افغانستان و حق بر توسعه

محمدصادق دهقان

ویرایش: دکتر احمد عزتی پرور

طراحی جلد: وحید عباسی

چاپ اول، ۱۳۸۶

مرکز فرهنگی و اجتماعی سراج

۱۵۰۰ نسخه، ۳۲۷ صفحه

حق بر توسعه از مفاهیم و ارزش‌های جدیدی است که در نظام حقوق بین‌الملل از سوی جامعه بین‌المللی تأسیس یافته و به رسمیت شناخته شده است. نویسنده در این نگاشته از راهکارهای افغانستان برای دستیابی به توسعه پایدار سخن می‌گوید که در دو بخش سلمان یافته است. بخش نخست با عنوان «حقوق بشر و حق بر توسعه» در سه فصل گرد آمده است و بخش دوم «حق بر توسعه در افغانستان» نام دارد و در چهار فصل سلمان‌دهی شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۷ برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی افغانستان شد.





### در خانه آفتاب

سیری در احوال و آثار بیدل

دکتر عبدالغفور آرزو

چاپ اول، ۱۳۸۷، سوره مهر

۲۵۰۰ نسخه، ۲۴۷ صفحه، ۳۲۰۰ تومان

«چگونه زیستن»، «رستاخیز کلمات»، «ساعر مرداب» و «واپسین سخن» عناوین چهار فصلی است که «در خانه آفتاب...» مشتمل بر آنهاست، به اضافه مأخذ و یادداشت‌ها و کتابنامه که در انتها می‌آیند. دکتر آرزو در هر فصل به مبحث تازه‌ای اشاره دارد از احوال و آثار بیدل.



### کاج‌ها هنوز ایستاده‌اند

مؤلف: محمدظاهر رستمی هروی (عطار)

به اهتمام آصف رحمانی پارسا

ویراستار: عاصمی

طراح جلد: وحید عباسی

صفحه آرا: یعقوبی

عکس: فریده رحمانی

چاپ اول، ۱۳۸۸، هرات: بنیاد شهید احمدشاه

مسعود

این کتاب، تذکره پرجمی است در هفتصد صفحه و معرفی ۳۱۰ شاعر متأخر و معاصر حوزه ادبی هرات را در خود دارد. کتاب با ارائه اطلاعاتی مفید از آنچه طی دو سده اخیر رونما گردیده و با ناگفته‌هایی از سعید جامی، محمدآصف رحمانی، فضل‌الله زرکوب و محمدظاهر رستمی منتشر شده است.

در ابتدا زندگینامه، فعلیت‌ها و مشاغل شعرا شرح داده شده و سپس نمونه کلام آنان آمده است. اغلاط چایی این تذکره غیب اول و آخر آن است.

در این کتاب بخشی از تاریخ ادبی و فرهنگی این حوزه احیا شده و سایه روشن‌های تلخ و شیرین از وقایع، حوادث و رویدادهای تأثیرگذار آن بازگو گردیده است. جناب رستمی کار جمع‌آوری، نگارش و تدوین این مجموعه را از سال‌های آغازین مهاجرت در مشهد شروع کرده و حدود ربع قرن روی آن زحمت کشیده است.



### جغرافیای تاریخی بلخ

محمدامین زواری

چاپ اول، ۱۳۸۸، بنیاد موقوفات دکتر محمود

افشار

۱۰۰۰ نسخه، ۴۱۱ صفحه، ۶۵۰۰ تومان

در پیشگفتار می‌خوانیم: «منطقه بلخ به همان اندازه که نزد پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی مشهور است، ناشناخته نیز هست. گستره وسیع این ناحیه و حیات طولانی فرهنگی و تمدنی آن در تاریخ جهان و نیز اهمیت آن برای ادیان و اقوام مختلف باعث شده است که مطالعات در زمینه شناخت این بخش از خراسان قدیم همیشه ناکافی به نظر برسند...»

«جغرافیای تاریخی بلخ» در حقیقت رساله دکترای آقای زواری است که در دانشگاه تربیت مدرس تهران، ادبیات خوانده است. نگاه دقیق و علمی وی باعث شده ما در این کتاب شاهد کاری متفاوت، سؤال‌محور و سودمند در زمینه بلخ باشیم.

### زیبای هزاره (دختر وزیر)

نوشته: لیلیاس همیلتون

ترجمه: عبدالله محمدی

طراح جلد: باسم الرسام

چاپ اول، ۱۳۹۲

۳۰۰۰ نسخه، ۱۶۰۰۰ تومان

این کتاب شرح ماجراهای لیلیاس همیلتون طبیب دربار امیر عبدالرحمان است که حکایت‌هایی جالب و خواندنی از سرتوشت قوم هزاره و ظلم تاریخی‌ای که در دوره عبدالرحمان خان بر آنها رفته است، بیان می‌کند. اسد بودا نیز در مقدمه کتاب به شرح و معرفی بیشتر این اثر پرداخته است.



۱۴

۱۷۸



### باغ بسم الله

مرتضی سلیمی سوزمه قلعه‌ای  
طرح جلد: محسن علی‌شاهی  
رفسنجان، نشر سورمه  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

«باغ بسم الله» عنوان مجموعه از ۱۱۴ «بسم الله الرحمن الرحيم» است که توسط «مرتضی سلیمی سوزمه قلعه‌ای» خوشنویس افغان مقیم شهرستان رفسنجان کتابت شده و انتشارات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رفسنجان آن را منتشر نموده است. در این مجموعه که به صورت رنگی و با کاغذ گلاسه منتشر شده است ۵۰ اثر نستعلیق، ۴۲ اثر شکسته نستعلیق، ۱۷ اثر ثلث و ۵ اثر هم با خط نسخ کتابت شده است.

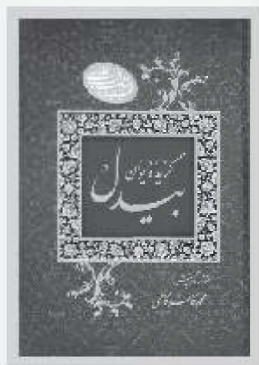


### سبب‌های کابل شیرین است

بهرام رحیمی، سمیه کریمی  
مترجم فارسی به انگلیسی: مهرداد وحدتی،  
سودابه اشرفی  
مترجم فارسی به پشتو: احمدشاه احمدزی  
ویراستار انگلیسی: کریستینه آرامز  
عکاس: نادر سوری  
چاپ اول، ۱۳۸۷. نشر افکار  
۲۴۰۰ نسخه، ۵۵۰۰ تومان

۱۹۵ صفحه فارسی و پشتو، ۱۴۰ صفحه  
انگلیسی

متن‌های نوجوانان افغانستانی جنوب تهران، گفتگویی با کودکان رازله‌زده بيم با تحلیل وضعیت افغانیان در ایران، «سبب‌های کابل شیرین است» را در بر دارد. این کتاب تصویرگر ادبیاتش است که پدیدآورنده آن کودکان افغالی به دنیا آمده در ایران‌ند، به همراه عکس‌ها و نقاشی‌هایی از این کودکان. متن‌های کتاب به سه زبان فارسی، پشتو و انگلیسی تدوین شده است.



### گزیده دیوان بیدل

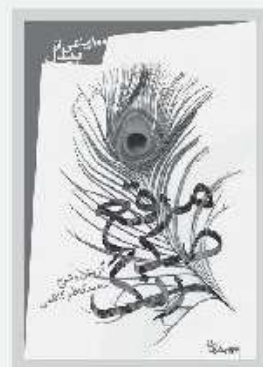
ابوالمعتی میرزا عبدالقادر بیدل  
گزینش و مقدمه: محمدکاظم کاظمی  
طرح جلد: نسیمه ایمانی  
چاپ اول، ۱۳۹۱. به‌تشر  
۳۰۰۰ نسخه، وزیري

این کتاب گزیده‌ای از شعرهای ابوالمعتی بیدل در قالب‌های مختلف است. در آن حدود ۳۰۰ غزل، ۴۰۰ تک‌بیتی منتخب از غزل‌ها، ۱۶۰ رباعی و پاره‌هایی از مثنوی‌ها و قصیده‌های شاعر آمده است. این شعرها با مقدمه‌ای مفصل در شرح زندگی، آثار و سبک شعر بیدل همراه شده است.

### دیوان ندیم

عبدالغفور ندیم کابلی  
چاپ اول: ۱۳۸۷، انتشارات نسیم بخارا، یا  
همکاری انتشارات بین‌المللی الهدی  
۳۰۰۰ نسخه، ۲۵۰ صفحه، ۳۷۰۰ تومان  
عبدالغفور ندیم کابلی متولد ۱۲۹۸ هجری  
قمری و متوفی ۱۳۳۵ هجری قمری است  
و از شاعران خوش‌سخن متأخر افغانستان.  
در این کتاب آثار این شاعر در قالب‌های  
گوناگون گرد آمده است.





### مرقع صد رنگ

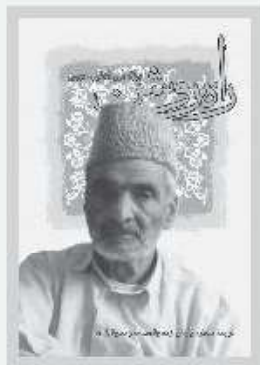
صد رباعی از بیدل  
گزینش و شرح: محمد کاظم کاظمی  
طرح جلد: پریسا تشکری  
چاپ دوم، ۱۳۹۰، سپیده پلوران  
۱۰۰۰ نسخه، ۱۰۴ صفحه، ۳۰۰۰ تومان

مؤلف که سخت دل در گرو بیدل دارد تا به حال چهار کتاب در مورد این شاعر زبان فارسی منتشر کرده است، یعنی «گزیده غزلیات بیدل»، «کلید در باز»، «مرقع صد رنگ» و «گزیده دیوان بیدل». او در مقدمه این اثر به ویژگی‌های مهم رباعی‌های بیدل پرداخته و در متن، ۱۰۰ رباعی از او را همراه با شرح و توضیح درج کرده است.

### مردمی‌ها

مجموعه شعر حسین وفا سلجوقی  
خط و تذهیب: بهزاد سلجوقی  
صفحه آرایی: فرزاد احراری  
ناشر: انتشارات احراری  
چاپ اول، ۱۳۹۰، انتشارات احراری  
۱۰۰۰ نسخه، ۲۰۰ افغانی

در این مجموعه اشعار روان‌شاد حسین وفا سلجوقی در قالب‌های گوناگون آمده است، با کتبت با خط نستعلیق بسیار ضعیف.



### راه روشن

ترجمه منظوم باره‌ای از نهج البلاغه و نهج الفصاحه  
سراینده: پراتعلی فدایی هروی  
ویرایش و صفحه‌آرایی: محمد کاظم کاظمی  
طرح جلد: وحید عباسی  
چاپ اول، ۱۳۸۸، هرات: انتشارات فدایی هروی

باتی چاپ: مؤسسه خیریه امام جواد (ع)

در یادداشتی که به قلم عبدالقدوس یاسین‌زاده در آغاز کتاب آمده است، می‌خوانیم: «در پس نقاب واژه‌های سخن استاد، عاطفه سرشار از صفا، محبت و علاقه شدید نسبت به مردم و میهن، عشقی زاید الوصف به دین و بزرگان دین، به ویژه پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و در یک کلام درد دین، درد مردم و درد فرهنگ جای گرفته است.»

پیشگفتار کتاب توسط محمد کاظم کاظمی نوشته شده و زلالیت و آوا در آنجا کارنامه ادبی، فرهنگی، اجتماعی فدایی را با تحلیلی واقع‌گرایانه ارزیابی کرده است.

حسن دیگر این مجموعه انتشار آن توسط یکی از نهادهای امداد رسانی در عرصه خدمات مادی و معنوی است. مؤسسه خیریه امام جواد پیش از این مجموعه «چامه‌ها و چکامه‌ها»ی استاد فدایی را در مشهد منتشر کرده بود. دیگر مزیت عمده کتاب، کیفیت مطلوب چاپ است، به ویژه با توجه به امکانات موجود در هرات.



### آئینه محیط

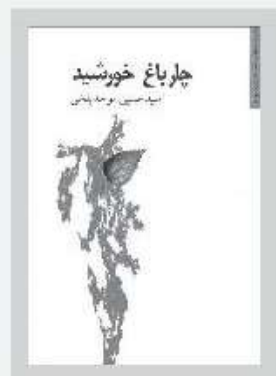
مجموعه شعر فیض محمد عاطفی هروی  
به گوشت: روح الامین امینی  
طرح جلد: علی رحمانی  
صفحه‌آرایی و ویرایش: محمد یعقوبی  
چاپ اول، هرات، ۱۳۸۸، انتشارات فدایی هروی  
۱۰۰۰ نسخه، ۱۱۸ صفحه، ۷۰ افغانی

یاوری سردار محمد داوود خان، ریاست نشرات وزارت دفاع، و مدیریت مجله اردو، از جمله سوابق اداری استاد عاطفی هروی است، شاعر فرهیخته‌ای که با درک عمیق اوضاع پیرامون خود، رنج‌هایش را در قالب شعر به تماشا می‌گذارد. «آئینه محیط» لعکاس سوژه‌های متفاوتی بر گرفته از تجربیات زندگی استاد عاطفی است که با لحن و زبان صمیمی، مخاطب را به خود جلب می‌کند. مهارت استاد در قالب کلاسیک است با رگه‌هایی از طنز که آثارش را خواندنی‌تر می‌کند.



۱۴

۱۸۰



### چار باغ خورشید

نوشته: سید حسین موحد بلخی

طراح جلد: باسم الرسام

چاپ اول، ۱۳۹۲، مؤسسه انتشارات عرفان

۲۰۰۰ نسخه، ۹۰۰۰ تومان

این کتاب مجموعه رباعی‌های موحد بلخی است. موحد بلخی از شاعرانی است که در حوزه رباعی‌سرایی در این سال‌ها بسیار فعال بوده و رباعی‌هایی در موضوعات و مناسبت‌های ملی و منتهی افغانستان سروده است.

### کمی برای خودم

مجموعه شعر سمیه رامش

ویراستار: نقیب آروین

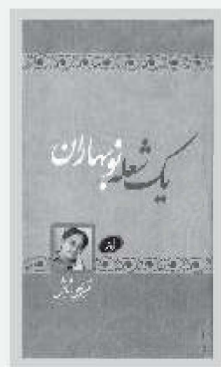
طرح و صفحه آرایی: عصمت‌الله احراری

چاپ اول، ۱۳۸۷، هرات

انتشارات فدایی هروی

۱۰۰۰ نسخه، ۸۷ صفحه، ۳۰ افغانی

پیش از این چیزی نخوانده بودیم از «رامش»، بانوی جوانی که با «کمی برای خودم» نشان داد با خیلی‌ها متفاوت است. او که هم شعر آزاد و هم کلاسیک می‌گوید در هر دو زمینه قدرتی خوب دارد و استعدادی قابل قبول نسبت به بسیاری از همسالانش. حاصل چهار سال شاعری «رامش» را می‌توان در این مجموعه یافت.



### یک شعله نوبهاران

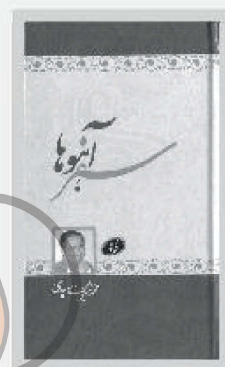
گزیده اشعار قنبر علی تاپش

طراحی متن و جلد: امینان گرافیک

چاپ اول، ۱۳۸۷، نشر تکا

۸۰۰۰ نسخه، ۱۶۱ صفحه، ۱۷۰۰ تومان

جناب تاپش از شاعران خوب معاصر است که تا کنون «دورتر از چشم اقیانوس»، «آدمی پرنده نیست»، «مشرق گل‌های فروزان» (گردآوری) و «چشم‌انداز شعر امروز افغانستان» (مجموعه مقالات) را در کارنامه خود دارد. «یک شعله نوبهاران» گزیده آثار وی است که به صورت پراکنده در کتاب‌هایش منتشر شده است. اشعاری که بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ خلق شده‌اند و شامل غزل، مثنوی، دوبیتی، نیمایی و سپیدند.



### سفر آهوها

گزیده اشعار محمد شریق سعیدی شه

طراحی متن و جلد: امینان گرافیک

چاپ اول، ۱۳۸۷، تهران: نشر تکا

۸۰۰۰ نسخه، ۲۲۰ صفحه، ۲۲۰۰ تومان

این کتاب گزیده شعرهای محمد شریف سعیدی است که در سلسله معروف به «کتاب‌های تکا» چاپ شده است. سعیدی که اینک مقیم سوئد است، از شاعران پرکار در میان هم‌نسلان خود به شمار می‌آید. شعرهای این کتاب در قالب‌های غزل، رباعی و آزاد هستند.

### دیوان استاد فکری سلجوقی

خط و تذهیب: بهزاد سلجوقی

طرح جلد و صفحه آرایی: فرزاد احراری

چاپ اول، ۱۳۹۰، انتشارات احراری

۱۰۰۰ نسخه، ۲۵۰ افغانی

این مجموعه شامل اشعار روان‌شاد فکری سلجوقی از شاعران پیشین شهر هرات است که بیشتر در قالب‌های قصیده، مثنوی، غزل و رباعی سروده شده است. این اثر به قلم بهزاد سلجوقی کتابت شده است، ولی خط ضعیف خوشنویس، بر کیفیت این مجموعه بسیار لطمه زده است.



شماره ۱۴

۱۸۱

## کابوس های رنگی

مجموعه شعر حفیظ الله شریعتی (سحر)

طرح جلد: محمدعارف احمدی

چاپ اول: ۱۳۸۷، کوبنه

مؤسسه نشراتی کاتب

۱۰۰۰ نسخه، ۹۳ صفحه، ۵۰ روپیه

«از روی دست زلیخا»، «گریه های مریم مصلوب» و اینک «کابوس های رنگی» نشان از پرکاری شاعر دارد و این البته امر پستیده های است اگر رو به کمال باشد. حفیظ در این مجموعه با ۳۴ شعر آزاد و ۷۸ هایکو ظاهر شده است یا حال و هوایی بیشتر عاشقانه و کمتر اجتماعی و...



## قطره های از بحر

مجموعه شعر

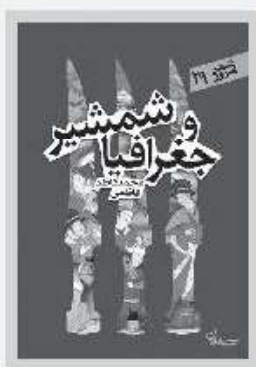
افتخار کاظمی «طمینان»

طرح جلد: وحید عباسی

ویرایش و صفحه آرایی: محمدکاظم کاظمی

چاپ اول: ۱۳۸۷، ناشر: مؤلف

بانو افتخار کاظمی فرزند حاج محمدکاظم است که اهل ادب و فرهنگ هرات او را می شناسند، از این خانواده حاج محمدآقا کاظمی و محمدکاظم کاظمی هم شاعرند، افتخار کاظمی در دهه دوم از سده حاضر هجری در هرات به دنیا آمد و بیشتر عمر خود را به سبب وضعیت شغلی همسرش در کابل گذراند، با وقوع کودتای کمونیستی ثور ۱۳۵۷ با خانواده خود به ایران و سپس به کانادا مهاجرت کرد، «قطره های از بحر» سروده های این یانوست که همه در قالب های کلاسیک است و می توان رگه هایی از نملایمات روزگار را در آنها یافت.



## شمشیر و جغرافیا

محمدکاظم کاظمی

طرح جلد: پریسا تشکری

چاپ اول: ۱۳۹۲، سپیده باوران

۱۱۰۰ نسخه، ۱۶۸ صفحه، رقمی

این کتاب مجموعه ای تازه از سروده های محمدکاظم کاظمی است، این دومین کتاب مستقل از سروده های این شاعر است، که بعد از حدود ۲۰ سال که از انتشار کتاب اول «پیاده آمده بودم» می گذرد، منتشر شده است.

## شب عریان از بام خانه ام می گنود

مجموعه شعر حفیظ الله شریعتی (سحر)

صفحه آرایی و طرح جلد: محمدعارف احمدی

چاپ اول: ۱۳۸۸، کوبنه

مؤسسه نشراتی کاتب

۱۰۰۰ نسخه، ۷۱ صفحه، ۵۰ روپیه یا معادل آن

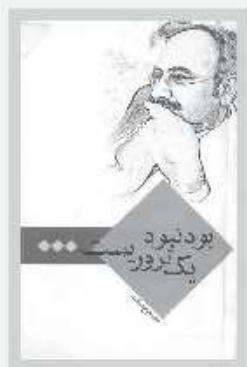
هر چند سبک حفیظ در شاعری فرق زیادی نکرده است و هنوز همان دغدغه هایی که در مجموعه های قبلی او قابل مشاهده است در این مجموعه نیز به چشم می خورد، سعی شاعر در انتقال تجربیات شخصی اش در زندگی قابل تحسین است، در «شب عریان از بام خانه ام می گنود» می توانیم ۲۰ شعر سپید و تعدادی هایکو از او بخوانیم.



۱۴

۱۸۲





### بود نبود یک ترور نیست...

مجموعه شعر سمیع حامد

صفحه آرا: زکفر حسینی

چاپ اول، ۱۳۸۷، کابل

۱۰۰۰ نسخه، ۶۱ صفحه

با مقدمه‌ای که خود، شعر است به قلم شاعر این مجموعه، ما با آثار آقای حامد مواجه می‌شویم، آثاری به سبک خاص که بین شعر و نثر معلق‌اند. «مریم و ماریا» دو شخصیتی است که به شاعر ما کمک کرده‌اند تا بین عشق غربی و شرقی مقایسه کند و از برخی مشکلات اجتماعی کنایه شوق در قیاس با غرب بگوید، حامد این «منظومه دگرگونه» را به قربلیانی هدیه می‌کند که خود نمی‌دانند دیوهای قرن خون آن‌ها را فروخته‌اند.



### بوی خواب

مجموعه شعر رؤیا شریفی

طرح جلد: جاوید تورزاد

ویراستار: آصف رحمانی

صفحه آرا: محمد یعقوبی

چاپ اول: هرات، زمستان ۱۳۸۸

انتشارات فدایی هروی

۵۰۰ نسخه، ۶۰ صفحه

«بوی خواب» نخستین تجربه‌های رؤیا در شعر است که بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ خلق شده‌اند. او دختری از هرات باستان، دانشجوی ادبیات و علوم انسانی و علاقه‌مند به قالب‌های کلاسیک است. تنها چند اثر معدود را در «بوی خواب» می‌یابیم که در قالب آزاد سروده شده‌اند و بقیه غزل، دوبیتی و چهارپاره‌اند.



### کنار ماهتابی

مجموعه شعر هادی میران

چاپ اول، ۱۳۸۷، کابل

۱۰۰۰ نسخه، ۲۱۹ صفحه

در قریه بندشوی، حصه دوم بهسود به دنیا آمده است. در کابل بزرگ شده و در سوئد روزگار می‌گذراند. علوم اجتماعی خوانده است تا مقطع فوق لیسانس در سوئد و چند سالی است که به قول خودش ادبیات مصرف می‌کند. نخستین برخوردش با آثار «میران» در ویلاگش بود که هر روز به روز بود. «کنار ماهتابی» مجموعه شعرهایی از میران را در خود دارد که طی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ سروده شده‌اند و بیشتر در قالب غزل‌اند.



وفایع فرهنگ

۱۳۸۳

## ماهیان از رگ‌های ما گریخته‌اند

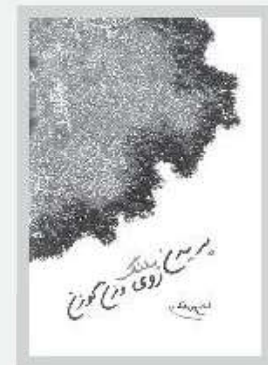
مجموعه شعر مجیب مهر داد

ناشر: انجمن قلم افغانستان

چاپ اول: بهار ۱۳۸۸، کابل

۲۰۰۰ نسخه، ۷۵ صفحه

اعتقاد به اینکه «شاعری با تنبلی سازگار نیست» مهر داد را جستجوگر، پر مطالعه و پرکار ساخته است. از تولد «گلادیاتورها» هنوز هم می‌میرند» خیلی نمی‌گذرد که «ماهیان از رگ‌های ما گریخته‌اند» به دنیا می‌آید، با زبانی نسبتاً متفاوت در مقایسه با کار قبلی این شاعر. مهر داد در ۵۴ شعر آزاد این مجموعه می‌کوشد مخاطب را با واکنش درونی خود نسبت به ترس‌ها و دغدغه‌های عالم انسانی روبه‌رو کند.



## پریدن پلنگ روی وزن گوزن

مجموعه شعر امان پویامک

ویراستار: نجیب آگاه

طرح جلد: امان پویامک

ناشر: انجمن قلم افغانستان

۱۰۰۰ نسخه، ۱۱۷ صفحه، ۵۰ افغانی

چه خوب بازی می‌کند با کلمات و چقدر واژه دارد در آستین خود. امان پویامک را می‌گوییم که شعر آزاد را دیگرگونه‌تر از بقیه فهمیده و به همان نسبت متمایز از دیگر سپیدسرایان جوان به خلق پرده‌آخته است تا «پریدن پلنگ روی وزن گوزن» اتفاق بیفتد. این مجموعه‌ای خاص است؛ آن‌گونه که در شناسنامه‌اش سال چاپ نیامده است، فهرست ندارد و متن تقدیمی شاعر بسیار جالب است. علاوه بر آن از ۴۷ شعر موجود، آخرین آن‌ها به انگلیسی ترجمه شده است و این همه اتفاق شاید بی‌دلیل نباشد.

## دال مثل دلتنگی

مجموعه شعر اسدالله فرهاد یوسفی

ویراستار: آصف رحمانی

طرح جلد: فرید رحمانی

صفحه آرا: محمد یعقوبی

چاپ اول: ۱۳۸۷، هرات: انتشارات

فدایی هروی

۵۰۰ نسخه، ۴۵ صفحه، ۳۰ افغانی (۶۰۰

تومان)

چیزی «به گونه مقدمه» به قلم محمد یعقوبی در ابتدای «دال مثل دلتنگی» اسدالله فرهاد را معرفی می‌کند، شاعری عاشقانه‌سرا که میل به تازگی در زبان دارد و قلیه و ردیف‌های نسبتاً جدیدش در جای جای این مجموعه، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. ۳۸ غزل، یک چهارپاره و تعدادی دوبیتی، بدون ذکر هیچ تاریخی در پای شعرها، ما را به احساسات سلیس فرهاد در اولین کتاب شعرش مهمان می‌کند.



## در پیچ یک خیال

مجموعه شعر محبوبه صالحی

طرح جلد: فریده رحمانی

صفحه آرا: محمدا یعقوبی

چاپ اول: ۱۳۸۷، هرات: انتشارات

فدایی هروی

۱۰۰۰ نسخه، ۳۹ صفحه

پس از سخن ناشر و بدون هیچ مقدمه‌ای، بیست شعر آزاد و یک دوبیتی «در پیچ یک خیال» گرد آمده‌اند تا ما را به خوانش احساسات شاعرانه محبوبه صالحی دعوت کنند که تازه‌کار است و این اولین مجموعه اوست.



۱۴

۱۸۴